

راه های گسترش حوزه عمومی به منظور ارتقاء سطح نظارت های اجتماعی

دکتر مهدی خلفخانی^۱

چکیده

پس از ظهور دولت های مدرن به شکل جدید، دیدگاه های حکومتی در مورد موضوع نظارت های نهادی و حکومتی غالب گردید. بدین صورت که نظارت های اجتماعی مترادف با برخورد های حقوقی و قانونی و عمدتاً جرم شناسانه از مساله انحرافات بود. از این روی در زمینه نظارت های حکومتی ادبیات بسیار گسترده بسط یافت. در هزاره سوم و با شروع دوره جدید که برخی از آن به عنوان جهانی شدن نام می برند ادبیات نظارت ها نیز مانند سایر مفاهیم علوم انسانی متحول و لذا ضرورت باز تعریف این موضوع عیان گردید. در این ارتباط اگر قبلاً از حکومت خوب مد نظر فلاسفه صحبت می شد، در ادبیات جدید از راهبری یا حکمرانی افقی [۱] بحث می گردد. اگر برای مدت های زیادی از فضای حکومتی صحبت می شد برخی از فضاهای انجمنی یاد نمودند. اگر برای مدت های زیادی مباحث حول تئوریزه سازی نظارت های حکومتی بود در ادبیات جدید از نظارت افقی مردم به مردم صحبت گردید. این موضوع نشانه ای از این موضوع بود که دولت ها به دلایل بیشتر کارکرد گرایانه و در فضای پسا وستفالیایی (جهانی شده) متوجه شده اند که بهتر است که عطف توجهی به اجتماعات خود بنمایند. یعنی مشخص گردیده مردم هم می توانند همانند گذشته و در جامعه ابتدایی و اولیه، نظارت های اثر بخش تری را اعمال نمایند. این تحقیق بر مبنای ضرورت موجود و برای باز تعریف مساله نظارت های اجتماعی و ضرورت نظارت های اجتماعی از طریق بسط سیطره عمومی در کنار نظارت های نهادهای رسمی حکومتی و نظارت های سازمانی تدوین گردیده است. برای توجیه دلیل توسعه نقش نظارتی حوزه عمومی دلیلی زیادی مطرح است. از این روی در این مقاله نویسنده ضمن ارائه دیدگاه های لازم مبنی بر ضرورت نظارت های اجتماعی بر اهمیت گسترش حوزه عمومی که در این تحقیق همان سرمایه اجتماعی به معنی نهادهای و شبکه های سازمان یافته نهادی است به توضیح این مساله می پردازد و دلایلی را ارائه می نماید که در آن از ضرورت های جدید در زمینه نظم اجتماعی صحبت می نماید.

واژگان کلیدی: نظم اجتماعی، نظارت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، حوزه عمومی، فضای انجمنی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۸/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۷/۲۰

مقدمه

نظام های سیاسی بر مبنای رویکرد سیستمی که ایستون ارائه می دهد به شدت مقید به محیط اجتماعی هستند به عبارتی این تصور غالب وجود دارد که محیط اجتماعی تامین کننده مشروعیت برای نظام های سیاسی است و با حمایت های اجتماعی است که سیستم ها برنامه هایشان را به اجرا می گذارند. این موضوع که نظام های سیاسی مقید به آرای عمومی هستند و اجتماع می تواند بر اعمال حکومتی نظارت نماید در نظام های مردم سالار امر مقبول و پذیرفته شده ای است. از این روی موضوع نظارت های اجتماعی بحث های مرتبط با ساختارهای سیاسی مردم سالار است. در نظام های که به صورت غیر انتخابی شکل گرفته اند و حکومت را موهبت غیر مردمی می دانند و چنان به رای مردمی اهمیتی نمی دهند ، عموماً نظام سیاسی خود را چندان وابسته به محیط اجتماعی نمی بیند و از این روی نظارت های اجتماعی موضوع بحث و توضیح نیست. فاشیسم در ایتالیا و نازیسم در آلمان نمونه ای از نظام های دیکتاتوری هستند که به شدت بر بنیاد نخبه گرایی شکل گرفته و از این روی به محض شکل گیری این نوع حکومت ها ، در اولین اقدام ، نظارتهای نهادهای اجتماعی را محدود و یا از بین برده اند. در مقابل این نوع نظام ها در نظام های مردم سالار ، از آنجا که نظام ها در یک فرایند مردم سالار و با آرای عمومی و مبتنی بر اصل چرخش قدرت بدست آمده اند ، نظام ها مشروعیت خود را ناشی از رفتارهای آگاهانه ی اجتماع و ناشی از رای آگاهانه و خواسته های زمینی و مردم می دانند و از این روی خود را مقید به پاسخ گویی به اجتماع می دانند. مهمتر از این موضوع ، این است که در سطح اجتماعی هم این تصور عمومی وجود دارد که نظام های سیاسی چیزی جز انتخاب های خودشان نیست و از این روی حکومت را ناشی از موهبت های دیگر نمی دانند و بنابر این آن را ملزم به پاسخگویی به خود می دانند. از این روی در نظام ها با درجه ی بالای مردم سالاری ، از یک سو مشروعیت نظام ها ناشی از آرای عمومی است ، برای همین منظور است که حکومت ها در مقابل اعمالی که انجام می دهند پاسخ گو هستند. دوماً از سوی دیگر انگاره های عمومی اجتماع نیز این است که می توان بر نظام های سیاسی که خود به آن رای داده اند از طریق نهادهای تخصصی در حوزه ای عمومی نظارت نمود. بنابر این در این کشورها ، فضاهاى انجمنی مهمترین فضای نظارت های اجتماعی بر حکومت ، اجتماع و سایر حوزه ها هستند. در این تحقیق نگارنده در صدد پاسخ به این سؤال است که چگونه می توان میزان اثر بخش نظارت های اجتماعی را در حوزه عمومی بسط داد؟ از سوی دیگر هدف ارائه راهبرد

راه های گسترش حوزه عمومی به منظور ارتقاء سطح نظارت های اجتماعی..... ۵۱

لازم برای گسترش نظارت های اجتماعی در ایران و چگونگی ارتقاء این نظارت های اجتماعی از طریق بسط سیطره ی عمومی و تقویت "فضای انجمنی" در جمهوری اسلامی ایران است. البته در این تحقیق منظور از نظارت های اجتماعی نظارت نهادهای اجتماعی به اعمال حکومتی نیست ، بلکه مشارکت نهادهای اجتماعی در تامین نظم اجتماعی و آن چیزی است که ما از آن تحت عنوان نظارت های اجتماعی می نمایم است

تعریف مفاهیم

مفهوم نظارت های اجتماعی

در مورد مفهوم نظارت های اجتماعی دیدگاه های زیادی قابل طرح است. مهمترین اندیشه ها در این زمینه توسط علمای جامعه شناسی ، انسان شناسی و علوم جزایی مطرح شده است. در بسط نظریات مرتبط با کنترل اجتماعی ، اندیشمندان زیادی چون روز ، سامنر ، هربرت مید ، کولی ، پراگماتیست های آمریکایی ، علمای مکتب شیکاگو ، ملوسی ، تالکوت پارسونز ، مالدینوفسکی مردم شناس ، تامپستون ، دور کهایم ، آتزیونی و پارک نقش اساسی را ایفاء نموده اند.

در جامعه شناسی و انسان شناسی کنترل اجتماعی واژه ی عامی است و به فرایندی اشاره دارد که به تولید ، برقراری و حفظ نظم اجتماعی در اجتماع کمک می کند. در جرم شناسی این مفهوم در معنای محدودتر به معنی مدیریت انحرافات از طریق عدالت جزایی ، رفاه اجتماعی و آژانس های بهداشت ذهنی بکار گرفته شده است. برخی از علما از این واژه به معنی انتقادی استفاده نموده اند. برای مثال در تاریخ اجتماعی و مطالعات زنان به ایجاد محدودیت ها و اشکالی از سلطه در نهادها نظیر خانواده یا دولت رفاهی اشاره دارند (Kuper, 1996, p1341).

در یک تعریف مورد قبول ، نظارت اجتماعی شامل تمامی کنترل های اعمالی از طرف حکومت ، سازمان ها و نهادهای غیر رسمی بر اجتماع است. قوانین جزایی جنبه ی مهمی از نظارت ها و کنترل های اجتماعی هستند. از دید [ساولزبرگ] نظارت های اجتماعی مکانیزم های اجتماعی و نهادی هستند که با تحریم کسانی که هنجارهای را می شکنند، به آنها پاسخ می دهند (Savelsberg, 1999, pp191-199)

در مورد نظارت های اجتماعی از دو دوره پیش از ظهور دولت های مدرن و دوران مدرن به معنی ظهور اشکال جدید دولت ها می توان صحبت نمود. دونالد بلک [۲] در مقاله خود که تحت عنوان "جرم به عنوان کنترل اجتماعی" که با صورتی مردم شناختی تدوین شده است ، معتقد است

که در جوامع اولیه که فاقد نهادهای حکومتی به شیوه امروزی بودند، از مکانیزم هایی در دسترسی برای کنترل اجتماع برخوردار بودند که او از آنها به عنوان نظارت ها و کنترل های اجتماعی نام می برد. از دید او اعضای هر جامعه ای می توانند تحریم های مشروعی را به افراد ناقص هنجارهای مشترک وارد نمایند. از دید او با ظهور دولت های مدرن و با طرح انحصار مشروع و انحصاری دولت ها برای اعمال زور و قدرت، جامعه توان خود را برای اعمال تحریم ها از دست داد (Savelsberg, p199).

دیدگاه دونالد بلک برای توصیف موضوع کنترل های اجتماعی دارای نقاط ضعف آشکاری بوده است. اول این که تمامی جوامع دارای اشکالی از اداره امور خود بوده اند. به عبارتی دیگر بر اساس دیدگاه لوسی میر، جوامع ابتدایی هم دارای اشکالی از حکومت حداقل و سیاست حداقلی بوده اند (راش، ۱۳۸۱، ص ۲۵). قبل از ظهور دولتهای مدرن به شکل امروزی ساخت فئودالیت و مناسبات آن و نیز دولت امپراطوری های بزرگ دارای قواعدی برای عمل اجتماعی بودند و آن را برای افراد تحت تبعیت شان اعمال می کردند. از سوی دیگر مشکل دیگر دیدگاه دونالد بلک این است که ایشان مدعی هستند که با ظهور دولت های مدرن به شکل امروزی نظارتهای غیر حکومتی و غیر رسمی توان خود را از دست دادند این در حالی است که در هیچ دوره ای نظارت های غیر رسمی بر افعال شهروندان کمتر نبوده است، بلکه نظارت های اجتماعی غیر رسمی حیات نامرئی خود را در کنار نظارت های رسمی حکومتی ادامه داده است و هیچ وقت دولت های مردم سالار اهمیت این نوع نظارت ها را کم نگرفته اند. این موضوع به معنی بی توجهی دولتهای غیر مردم سالار از این نوع نظارت ها نیست، بلکه معنی آن این است این گونه دولت ها، به دخالت ابزاری و خاصی از نهادها و اجتماع تاکید نموده اند.

در یک جمع بندی کوتاه می توان گفت که: در تمامی دوران حیات نوع انسان، نظارت های اجتماعی جزئی از حیات اجتماعی بوده است. جامعه ای بدون نظارت اجتماعی وجود نداشته است. یعنی با دیدگاه فرهنگی و نسبی گرایانه موجود می توان گفت همه جوامع دارای مقدسات، حرمت ها، تابو ها و به معنی امروزی هنجارهای رفتاری هستند و مراقب اند که هنجارهای موجود که منشاء دینی، غیر دینی و یا عرفی دارند را حفظ و در مقابل تهدیدات محافظت نمایند.

تفاوت دو دوره از نظارت های اجتماعی در آن است که تا زمانی که سازمان دائمی مانند دولت که دارای انحصار مشروع از قدرت است وجود نداشت، ضمانت های دیگری برای کنترل اجتماعی

راه های گسترش حوزه عمومی به منظور ارتقاء سطح نظارت های اجتماعی.....۵۳

وجود داشته است که شامل موارد متعددی است که مانند طرد افراد خاطی، کشتن، قهر اجتماعی و غیره.

برای مدت مدیدی کارگزار و عامل شناخته شده رسمی برای اعمال کنترل های اجتماعی وجود نداشت. یعنی دوره پیش از ظهور دولت های مدرن با نامشخص بودن کارگزار ضامن هنجارهای عمومی از دوره جدید که کارگزار رسمی حکومتی وجود دارد متمایز می گردید.

از آنجا که اعمال هر گونه نظارت و کنترلی مبتنی بر رسومات و آداب خاصی که عموماً نامشخص و نامدون بودند صورت می گرفت احتمال زیادی وجود داشت که افراد مورد تبعیض با کینه ورزی یا حسادت و غیره مواجه گردند و از این روی مشمول نظارت و کنترل های غیر مشروع شوند. از این روی ظهور دولت های مدرن به شکل حاضر موجبات تعیین تکلیف کارگزار و عامل اساسی نظارتهای اجتماعی شد و از سوی دیگر کنترل های اجتماعی را به جای برداشت های نامدون تابع مجموعه نوشته شده و اختراع جدید انسان به نام قوانین نمود.

در مورد نظارت های اجتماعی از دو نظارت دولت محور و اجتماع محور می توان صحبت نمود. نظارت های اجتماع محور عموماً در دوره پیش از دولت غالب که حیات خود را در دوره معاصر نیز ادامه داده است که در آن محور اساسی نظارت هایی را خود مردم تشکیل می دهند و نظارت های دولت محور که در آن دولت ها محور اساسی را به عنوان عامل نظم بر عهده گرفتند. از این روی تفاوت اساسی دو نوع نظارت ها در دولتی و دیگر اجتماعی بودن نظارت است. البته در دوره دوم، نظارت ها دو سویه ولی با محوریت حکومتی بوده است و نظارت های اجتماعی مردم محور نیز از اهمیت برخوردار بوده اند.

اگر چه با ظهور دولت های جدید نظارت های غیر رسمی اهمیت خود را در مقابل قانون از دست دادند ولی با این حال نظارت های غیر رسمی جزئی جدای نشدنی از حیات تمامی اجتماعات بوده است. به عبارتی دیگر حیات نظارت های غیر رسمی در دوره معاصر به صورت نامرعی و با قدرت زیادی ادامه یافته است. به عبارتی دیگر حتی نظارت های غیر رسمی اجتماعات بعضاً دارای قدرت بیشتری از نظارت های دولتی و رسمی بوده است. (نمونه آن قبح خوردن روضه در ایام مبارک ماه رمضان در انظار عمومی مردم است)



شکل شماره (۱) عنوان، ابعاد نظارتها و مکانیزم های نهادی، ضمانت های اجرایی

چارچوب نظری

سرمایه اجتماعی و حوزه عمومی

هدف نظارت ها و کنترل اجتماعی تامین آن چیزی است که به آن نظم اجتماعی نام داده ایم. تامین نظم اجتماعی می تواند با بکار گیری و استفاده از ابزار متعدد تحقق یابد. در این مورد دیدگاه های نظری زیادی مطرح شده است که بخشی از این دیدگاه ها ملهم از دیدگاه های نظریه پردازان سرمایه اجتماعی و بخشی مبتنی بر آراء نظریه پردازان حوزه عمومی است. از دیدگاه برخی از اندیشمندان سرمایه اجتماعی، سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی برای کنترل و نظارت های اجتماعی تعریف شده است (Portes, 2000, p2).

مک لئن که از اندیشمندان و تئورسین های سرمایه اجتماعی محسوب می گردد با ارائه رویکرد اقتصاد از سرمایه اجتماعی، برای توضیح مساله اعتماد از مدل های بازار و اقتصاد کمک می گیرد و معتقد است برای ایجاد اعتماد در بازار سه وسیله اساسی وجود دارد که شامل:

▪ شبکه های غیر رسمی مراعات متقابل [۳] بر اساس دوستی، روابط خانوادگی یا خویشاوندی نزدیک یا پیوندهای فرهنگی.

▪ مجموعه ای رسمی از قواعد و مقررات حقوق که نظارت بر حسن اجرای آنها را شخص ثالثی بر عهده دارد. نظارت شخص ثالث مستلزم در دست داشتن قدرت تحقیقی، قضایی و اجرایی است. در این حالت رعایت هنجارهای درستکاری و پرهیز از تدلیس (تغلب) به مدد تدبیری بیرونی تامین می شود که افراد به رغم استفاده های کوتاه مدت ناشی از عدم رعایت و پایبندی، حتی الامکان دلیل مصلحت جویانه برای رعایت و پایبندی داشته باشند. در این رویکرد نظارت و

راه های گسترش حوزه عمومی به منظور ارتقاء سطح نظارت های اجتماعی.....۵۵

ضمانت اجرایی به صورت رسمی سازمان داده می شود. (ضمانت مد نظر اقتصاد دانان) ضوابط اخلاق غیر رسمی که پشتوانه شان تعهد درونی برای پایداری بدان ضوابط است (ضمانت مد نظر جامعه شناسان) به عبارتی دیگر کنترل اجتماعی نه تنها محصول نظارت های بیرونی است بلکه شامل کنترل های درونی است (Ritzer, 2005, p104).

در مورد ضوابط اخلاقی غیر رسمی مک کلنن به ۳ پریم اشاره می کند که متکی به تعهد درونی نسبت به هنجارها یا مقررات است. صفت بارز رویکرد سوم را پایداری شرکت کنندگان به حاکمیت قانون بر می شمرد.

از دید او ۳ زگوند زمانی شکل می گیرد که اشخاص به طور ناخودآگاه خود را نسبت به مجموعه معینی از مقررات و قوانین متعهد می شمارند. به این دلیل که مقررات و قوانین را به عنوان نتیجه فراگرد و فرایند معطوف به اجماع که در آن ترجیحات هر فرد به حساب آمده است یا می توانسته به حساب آید وضع شده است، بدانند. آنچه که این مورد به طرز اجرا می افزاید عبارت است از این قید و شرط که حاکمیت قانون به معنای حاکمیتی است که خود برگزیده ایم (تاج بخش، ۱۳۸۴، صص ۲۷۸-۲۸۰).

به عبارتی دیگر با برداشتی که از دیدگاه سرمایه اجتماعی مک لنن قابل ارائه است، نظم می توان معلول کارکرد سه دسته از عوامل باشند که این عوامل شامل تعهد درونی افراد به تابعیت از هنجارها و ارزش های حاکم یا جامعه در صورتی که اجماع غیر شکننده ای در مورد ارزش های حاکم وجود داشته باشد، از طرف دیگر نظارت های بیرونی که شامل شخص ثالثی است که به نظر می رسد اعمال آن بازتابی از خود ماست و رفتار آن تابع اختراعی به نام قانون است و غیره. از دید فرانسیس فوکویاما که به عنوان یکی از نظریه پرداز سرمایه اجتماعی شناخته شده است، برای تامین هنجارهای مشترک راههای زیادی قابل مطرح هستند. در این مورد به چند دیدگاه اساسی اشاره دارند که شامل:

▪ رویکرد اقتصادی از تامین هنجارهای مشترک و به عبارتی نظم اجتماعی بر مبنای رویکرد تئوری بازی ها.

▪ رویکرد فرهنگی با استفاده از نقش مذهب و اعتقادات دینی مردم که اهمیت این موضوع قبلاً توسط ماکس وبر دانشمند علوم اجتماعی آلمانی در کتاب اخلاق پروتستانتیسم و روحیه سرمایه دارایی توضیح داده شده بود (فوکویاما، ۱۳۸۵، صص ۹۷-۱۰۷).

روبرت پاتنام استاد علوم سیاسی که بر توضیح تاثیر نهادهای سیاسی دموکراتیک بر روندهای سیاسی، تاثیر پذیری نهادهای دموکراتیک از روندهای تاریخی و نیز توضیح تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگ بر فعالیت نهادهای سیاسی و دموکراتیک در ایتالیا متمرکز شده است از سه شیوه گسترده برای توضیح عملکرد نهادها قابل مشاهده است:

۱- اولین مکتب که از قرن نوزده تا نیمه اول قرن بیستم بر تحلیل عملکرد دموکراتیک سیطره داشت بر برنامه ریزی نهادی تاکید داشت که متکی بر دیدگاه جان استوارت میل بود که به مساله مهندسی قانونی و یافتن مطلوب ترین اشکال نهادها برای حکومت نمایندگی می پردازد. کلیت این دیدگاه این است که حکومت نمایندگی تنها بر ترتیب درست نهادهای رسمی اش و خوش اقبالی منطقی در حیات اقتصادی و موضوعات نهادی متکی است و یک ساختار خوب حتی در شرایط فقدان خوش اقبالی نیز کار می کند.

۲- مکتب دوم در خصوص عملکرد نهادی های دموکراتیک بر عوامل اقتصادی و اجتماعی تاکید دارد. جامعه شناسان سیاسی از زمان ارسطو استدلال نموده اند که ایجاد یک مردم سالاری کارآمد به توسعه اجتماعی و رفاه اقتصادی بستگی دارد. نظریه پردازان معاصر چون رابرت دال و سیمور مارتین لیپست (Lipset, 1973, pp45-76) از شرایط یک حکومت دموکراتیک با ثبات و کارآمد بر جنبه های گوناگون مدرنیزاسیون (ثروت و آموزش) صحبت نموده اند.

۳- مکتب سوم در توضیح عملکرد نهادهای دموکراتیک بر عوامل اجتماعی فرهنگی تاکید دارد. افلاطون می گفت حکومت ها بر طبق خلق و خوی شهروندانشان با هم متفاوت هستند. مطالعات سیدنی وربا و آلموند در زمینه فرهنگ مدنی و کار آلکسی دوتوکویل در زمینه اهمیت آداب و رسوم بر سیاست و نهادها است. از دید دو توکویل انجمن های مدنی، روابط عاطفی را که بر نهادهای دموکراتیک با ثبات و کارآمد ضروری هستند تقویت می نماید (پاتنام، ۱۳۸۰، صص ۳۲-۳۶)

روبرت پاتنام از میان سه عامل مذکور، کارهای خود را به مساله اهمیت فرهنگ و عوامل اجتماعی و نهادهای اجتماعی در توسعه متمرکز ساخته است. رابرت پاتنام نظریه پرداز سرمایه اجتماعی نیز است. از دید [رابرت پاتنام] سرمایه اجتماعی همچون سرمایه فیزیکی و انسانی به ویژگی های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و

راه های گسترش حوزه عمومی به منظور ارتقاء سطح نظارت های اجتماعی..... ۵۷

همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می کند. سرمایه اجتماعی سرمایه گذاری در زمینه فیزیکی و انسانی را افزایش می دهد (تاج بخش، ۱۳۸۴، ص ۹۵).

از دید پاتنام همکاری داوطلبانه در جامعه ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهایی عمل متقابل و شبکه های مدنی به ارث برده، بهتر صورت می گیرد. منظور از سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه هاست که می توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارآیی جامعه را بهبود بخشند. از دید پاتنام سرمایه اجتماعی مانند سایر سرمایه ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخصی را فراهم می کند که بدون آن غیر قابل دسترسی خواهند بود. برای مثال گروهی که اعضایش اعتبار خود را نشان داده و به یکدیگر اعتماد زیادی دارند نسبت به گروهی که فاقد این ویژگی ها هستند، توان انجام کارهای زیادتری را دارند.... در یک جامعه کشاورزی که یک کشاورز یونجه اش را از دیگری می گیرد و ابزار کشاورزی در سطحی گسترده قرض داده و قرض گرفته می شود سرمایه اجتماعی به هر کشاورز اجازه می دهد تا کارش را با سرمایه های مادی کمتری به پایان برساند (پاتنام، ص ۲۸۵).

از سوی دیگر نظریه حوزه عمومی قرار دارد که توسط اندیشمندانی چون، ارسطو، سونت، جان استوارت میل، هانا آرنت، کانت، هگل، مارکس، جان دیوی، میخائیل باختین و هابرماس و نیز نظریه پردازان سرمایه اجتماعی چون رابرت پاتنام مطرح شده است.

در ارتباط با حوزه عمومی بایستی گفت مباحث مربوط به حوزه عمومی دارای رویکرد انتقادی و از سوی دیگر تفسیر هنجاری و تجویز مدل آرمانی برای رفتارهای ارتباطی است.

در مورد خود حوزه عمومی دیدگاه زیادی مطرح است. از دید سه نت [۴] عموم [۵] به معنی تحقیق، بررسی و موشکافی [۶] امور توسط هر کسی است و حوزه خصوصی [۷] حوزه از حیات تعریف شده توسط خانواده و دوستان است.

از دید ارسطو حوزه عمومی اساسی آرمانی برای دیدگاه معاصر در حیات مردم سالارانه برای تمایز طبیعی حوزه عمومی و خصوصی بوده است. از دید او پولیس یا حوزه عمومی محلی بود که مردم می توانستند در آن تقوا و ترجیحات معنوی خود را از طریق تلاش های روشنفکرانه و اخلاقی بسازند. از دید ارسطو تنها از طریق چنین فعالیت های بود که افراد می توانستند ظرفیت معنوی و روشنفکرانه خود را توسعه و به انسان کامل تبدیل شوند. از دید او در حوزه عمومی است که مسائل عمومی جامعه تعیین و حل می شود. از دید ارسطو منزل [۸] همان حوزه ی

خصوصی بود که مهمترین وظایف آن در حوزه ی اقتصاد بود و روابط خودمانی[۹] و صمیمی مردم در حوزه عموم صورت می گرفت. تفاوت حوزه عمومی و خصوصی در اندیشه ارسطو این بود که منزل در درجه پایین تری در مقایسه با شهر قرار می گرفت. از دید او تنها شهر بود که می توانست نیازهای انسانی را تامین و باعث توسعه معنوی شود و انسان تنها در شهر بود که به کمال انسانی می رسید (Stormer,2002,p23).

[کانت] نیز از جمله فلاسفه ای بوده که از حوزه عمومی بحث نموده است. کانت بحث در مسائل عمومی را کار فلسفی تلقی می نماید که به عامه مردم دخلی ندارد. اما برداشت او از فلسفه بر خلاف برداشت امروزی این است که فلسفه صرفا مشغله دانشگاهی نیست که تاثیرات عملی برای زندگی همه مردم نداشته باشد. بنابراین مباحثه برای تصمیم گیری در باره ی بسیاری از مسائل باید بر عهده عامه مردم گذاشته شود ، هر چند منظور او عامه خرد ورز است. از دید کانت کاربرد عقل و خرد در امور عمومی می باید همواره آزاد و تنها چنین کاربردی می تواند به گسترش روشنگری در میان مردم بیانجامد. کانت پیدایش انجمن های سری چون فراماسونری ها را نتیجه محدودیت مباحث عمومی می داند. اما کانت فقرا و بندگان را جزء شهروندان دولت محسوب نمی کند. از دید او جامعه مدنی به طور طبیعی و بدون اعمال زور به نهاد و لازم برای تضمین کارکرد درست و عادلانه دولت تبدیل خواهد شد (هولاب، ۱۳۷۸، صص ۲۵-۲۶).

هابرماس که به عنوان مهمترین نظریه پرداز حوزه عمومی شناخته شده است چند ویژگی اساسی را شالوده اساسی شکل گیری حوزه عمومی می داند که شامل :

از بین رفتن منزلت و تفاوت های منزلتی. بنابر این تفاوت ها میان افراد مشارکت کننده در (پارانتز) قرار گرفت. در پارانتز قرار گرفتن تفاوت های منزلتی و پایگاه اجتماعی ، یک امر مصنوعی شکل گرفته از سوی شرکت کنندگان در مباحثه بود. هابرماس معتقد نیست که می توان همه ی نابرابری های سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی را محو و نابود کرد بلکه شکل گیری حوزه عمومی آنها را باید در پارانتز قرار داد و نادیده گرفت.

حوزه عمومی مبتنی بر این مفهوم است که استدلال عقلانی تنها داور نهایی در باره مسائل است. به عقیده هابرماس ، در حوزه عمومی مبتنی بر مساله دار شدن [۱۰] همه حوزه های است که تا آن زمان مورد سوال قرار نگرفته بودند. همه مسائلی که تا این زمان به صورت انحصاری در اختیار کلیسا و یا مقامات حکومتی بودند به روی بحث و گفتگوی باز شد و در حوزه عمومی تمام

راه های گسترش حوزه عمومی به منظور ارتقاء سطح نظارت های اجتماعی.....۵۹

مسائلی که می توانستند جزو علائق عمومی باشند مورد بحث قرار گرفتند. حوزه عمومی بر خلاف جامعه مدنی که محل خواست های خصوصی است ، محل ابراز و بیان خواست های عمومی است و بنابر این هیچ گونه محدودیتی برای بحث و گفتگو ایجاد نخواهد شد.

حوزه عمومی تازه مستقر در برگیرنده [۱۱] بودند. هر کسی با دسترسی به محصولات فرهنگی ، کتاب ها و مطبوعات حداقل شرایط لازم را برای ورود به بحث در خصوص مسائل عمومی را به دست می آورد. لیکن حوزه عمومی اولیه عمدتا شامل افرادی می شدند که دارای سواد یا مالکیت بودند ولی به لحاظ نظری این دسترسی برای همگان قابل تصور بود(انصاری، ۱۳۸۴، ص ۲۳۴).

از دید هابرماس نابودی نهادهای سانسور مرحله در توسعه گفتمان عمومی است. تبادل آزاد اطلاعات همراه با نهادها آموزشی برای شکل گیری حوزه عمومی بسیاری اساسی بود. از دید او نشریات انتقادی یکی از مهمترین ابزارهای ظهور حوزه عمومی لیبرال بورژوازی بودند و مهمترین ویژگی حوزه عمومی بحث و تبادل آزاد ، دسترسی آزاد و علنی بود(انصاری، صص ۲۳۵-۲۳۶).

حوزه عمومی برای اندیشمندانی چون کارل دویچ ، حوزه از تصمیم گیری بود که موضوع آن را نه خود بلکه دیگران و جمع تشکیل می داد. از دید دویچ بر خلاف حوزه عمومی ، موضوع حوزه خصوصی را شخص و منافع شخصی تشکیل می داد است. برای مثال تصمیم می گیریم خانه خودمان را تغییر دهیم . تحصیلات خود را در رشته جدید ادامه دهیم و غیره. از دید دویچ کل منابعی که مستقیما موضوع تصمیم سیاست هستند بخش عمومی [۱۲] نامیده می شوند. این بخش شامل ملت ، دولت ، حکومت ملی ، آژانس های عمومی ، ادارات پست و صنایع هستند. در مقابل بخش عمومی ، بخش خصوصی [۱۳] قرار دارد که شامل تمامی فعالیت هایی است که موضوع تصمیم خصوصی افراد ، خانواده ، شرکت های تجاری خصوصی هستند. در این بخش عمده تصمیمات اتخاذ شده سریعا به خود افراد بر می گردد. در حالیکه تصمیمات در بخش عمومی دارای تاثیرات غیر مستقیم و کند است (Deutsch, 1998, p4).

با توجه با مباحث مطروحه در مورد حوزه عمومی می توان منظور از حوزه عمومی مورد استفاده برای توسعه نظارت های اجتماعی در این تحقیق استفاده از سرمایه اجتماعی مد نظر پاتنام در این تحقیق است. به عبارتی نهادهای اجتماعی مخرج مشترک دیدگاه های مطروحه در زمینه ی حوزه عمومی و نظریه سرمایه اجتماعی هستند. به عبارتی دیگر نهادهای اجتماعی ضمن اینکه معیاری برای توسعه هستند، ابزاری برای تحقق نظم اجتماعی و مکانیزمی برای نظارت ها و کنترل

های اجتماعی تلقی می شوند. از این روی در این قسمت به مهمترین موضوع در زمینه چگونگی ارتقاء و استفاده از نهادهای اجتماعی غیر حکومتی و مدنی در زمینه نظارت های اجتماعی اشاره می نمایم.

نظارت های اجتماعی در ایران و وضعیت حال

در ایران به مانند هر کشوری و جامعه دیگر از مجموعه تدابیر برای تامین نظم استفاده شده است. این مجموعه تدابیر بر مبنای همین دسته بندی ارائه شده در مقاله شامل دو دوره پیش از ظهور دولت های مدرن به صورت امروزی و نیز دوره ظهور دولت مدرن به صورت جدید بوده است. دوره معاصر دوره ای است که نظارتهای اجتماعی اهمیت خود را از دست نداند و دارای کار کرد بوده اند. اما در مورد ایران در مورد نظارتهای اجتماعی می توان از چند موضوع اساسی صحبت نمود. که این عوامل تعیین کننده موضوع اساسی این تحقیق است:

اول اینکه شاهد تغییر گسترده در ارزش ها در کشور هستیم که این موضوع در کار انجام شده تحت عنوان "ارزشها و نگرش های ایرانیان" که بر مبنای رویکرد اینگلهارتری (تحول فرهنگی در جوامع صنعتی) انجام شده است قابل مشاهده است. به عبارتی دیگر بر اساس یافته های این پیمایش در زمینه های متعددی چون امانتداری، انصاف، صداقت، پابندی به قول و قرار، تقلب و کلاهبرداری، اختلاف و چند دستگی، اعتیاد، پارتی بازی، ظلم و تبعیض، طلاق، روابط نامشروع، دزدی و کلاه برداری، شاهد کاهش سرمایه های اجتماعی در کشور ایران بر مبنای رویکرد فوکویاما یایی هستیم (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۴۷-۶۷).

از این روی اولین موضوع در ایران این است که ما آلان نمی توانیم از اجماع مصمم از ارزش های غالب صحبت کنیم. البته بعضی از امور وجود دارند که در مورد آنها اجماعی ناچندان قوی وجود دارد.

از سوی دیگر در جامعه ای که در حال از دست دادن سرمایه های اجتماعی است مساله مهم وجود مکانیزم های لازم برای نظارتهای اجتماعی و یا ترمیم و بهبود وضعیت این مکانیزم ها است. برداشت اولیه این است که در چند سال اخیر مکانیزم های نظارتهای اجتماعی دولت محور ضعیف و یا از اثر بخشی کمتری برخوردار بوده اند و این موضوع را می توان از تصورات شهروندان ایرانی برداشت نمود. در این مورد رابین رایت در کتاب "آخرین انقلاب بزرگ" ظهور

راه های گسترش حوزه عمومی به منظور ارتقاء سطح نظارت های اجتماعی..... ۶۱

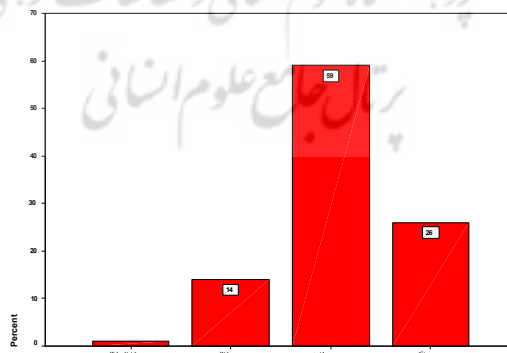
فعالان جدید از اندیشمندان ، سازمان های مدنی ، اتحادیه ها و احزاب سیاسی قانونی را قسمتی از تلاش برای ایجاد نظم نوین اجتماعی جدید در ایران می دانند(رایت،۱۳۸۲،ص۷۴).
در ایران در سال های تصور عمومی این است که نهادهای حکومتی عامل اساسی نظم اجتماعی و به عبارتی عامل تامین هنجارهای مشترک اجتماعی هستند از اثر بخشی کافی برخوردار نیستند و این موضوع تامین نظم عمومی را با مشکل مواجه می سازد. برای مثال در پیمایش انجام شده در ارتباط با ارزیابی رابطه بین تصور عمومی مردم از جدیت نظام و نهادهای نظارتی در ایران و تاثیر آن بر گرایش به کارهای غیر قانونی (فساد در ادارات) نتیجه بررسی ها حاکی از این است که از بیشتر مردم در ایران نهادهای نظارتی را دارای جدیت زیادی برای تامین نظم عمومی و هنجارهای مشترک نمی دانند برای مثال به جدول زیر که نتایج این پیمایش است نگاه نمایید.

جدول شماره (۱) تصور عمومی شهروندان تهران از جدیت نهادهای حکومتی در اعمال و یا برخورد با تخلفات به عنوان قسمتی از نظارت های اجتماعی دولت محور.

جدولیت

	درصد فراوانی نسبی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی نسبی
کاملاً مخالفم	1.0	1.0	1	1.0
مخالفم	14.0	14.0	14	15.0
بی‌تفاوتم	59.0	59.0	59	74.0
موافقم	26.0	26.0	26	100.0
جمع کل	100.0	100.0	100	

نمودار شماره (۱) در صد پاسخ های ارائه شده در مورد این سوال که چقدر شهروندان تهرانی ، نهادهای حکومتی را دارای جدیت لازم برای برخورد با تخلفات می دانند.



در رابطه با متغیر جدید نیز این موضوع تایید شده که نهادهای ناظر بر اعمال شهروندان از جدید لازم برای برخورد با جرائم و مفاسد اداری برخوردار نیستند. در نمودار مشاهده می‌نمایید که تقریباً بالای ۲۶٪ از شهروندان تهرانی که در شهرداری با آنها مصاحبه شده، اعلام نموده‌اند، نهادهای ناظر بر افعال شهروندان از جدید لازم برخوردار نیستند. این در حالی است که افرادی که نهادهای ناظر را جدی می‌دانند، نزدیک به ۱٪ است. این موضوع را در خمیدگی داده‌های نمودار به سمت چپ نمودار مشاهده می‌نمایید. به عبارتی دیگر نظارت‌های پیشینی و پسینی لازم بر افعال شهروندان از مجرای نظارت‌ها دولت محور وجود به قدر موثر و کافی صورت نمی‌گیرد (خلفخانی، ۱۳۸۷، صص ۱۹۱-۱۹۲).

به عبارتی دیگر در پیمایش انجام شده در تهران در ارتباط با ارزیابی تصور عمومی مردم از جدی بودن نهادهای نظارتی و نظارت‌های پیشینی و پسینی بر اعمال شهروندان، نتایج نشان دهنده خمیدگی داده‌ها به طرف کسانی است که نهادهای حکومتی مسئول در زمینه مبارزه با جرائم و ناقضین هنجاری مشترک را جدی در برخورد با مفاسد نمی‌دانند.

جدول شماره (۲) مقایسه پاسخ‌های دریافتی از درب منزل و نیز مراجعه کنندگان به شهرداری‌ها در تهران در ارتباط با جدیدیت و نظارت‌های دولت محور در ایران.

تصور عمومی مردم از جدیدیت نهادهای نظارتی بر افعال کارمندان			محل دریافت پاسخ‌ها
مخالفین	بینابین	موافقین	پاسخ‌های درب منزل
٪۲۲	٪۶۶	٪۱۱	
٪۲۶	٪۲۹	٪۱۴	پاسخ دریافتی در شهرداری‌ها
٪۲۴	٪۴۷/۵	۱۲/۵	میانگین

(خلفخانی، ۱۳۸۷، صص ۲۱۱)

از سوی دیگر نبود جایگزین اساسی برای نظارت‌های اجتماعی در شرایط جدیدی که از تغییر ارزش‌های اجتماعی صحبت می‌گردد. به عبارت دیگر در جامعه درگیر در گذارهای سیاسی و اجتماعی و در جامعه‌ای که در وضعیت بینابینی مدرن و سنت قرار دارد، اگر نهاد دولتی از اهمیت و موثر بودن برخوردار نباشد جایگزینی که عامل نظم عمومی باشد چه خواهد بود؟ بدتر از این موضوع این است که در ایران در شرایط اخیر التزام به هنجارهای مشترک بیشتر گرایش به ترس داشته است که این موضوع هم موضوع مهم دیگری است. موضوع مهم دیگر این

راه های گسترش حوزه عمومی به منظور ارتقاء سطح نظارت های اجتماعی.....۶۳

است که استفاده صرف از نیروی های نظارتهای رسمی حکومتی مسائل مشروعیتی زیادی را به پیش کشانده است.

چگونگی گسترش حوزه عمومی به منظور ارتقاء نظارت اجتماعی

در این تحقیق تاکید به این نکته است که دولت و نهادهای حکومتی به عنوان قسمتی از مجریان برنامه های نظارتهای اجتماعی با انتقادات و از همه مهمتر اثر بخشی کمتری برخوردار هستند. از همه مهمتر ارتباط اعمال و نظارتهای حکومتی با موضوعی به نام مشروعیت نظام است که توجه و امعان نظر زیادی را می طلبد. در این مورد نگاهی به برنامه های نظارتی ایالات متحده و تاثیرات منفی که ایجاد نموده است حائز و شایسته اهمیت است. از دید [سوالز برگ] اقدامات حکومتی و مهمتر از آن ، اقدامات حکومتی و جزایی اعمالی از طرف دولتی مانند امریکا دارای نتایج منفی زیر بوده است:

هزینه های بسیار مالی که داشته است. راه های مبارزه با موردی مانند مواد مخدر به محرومیت طبقات پایین و به ویژه اقلیتهای قومی در امریکا کمک نموده است.

زندانی کردن بیش از اندازه فقرای شهری نتایج معکوسی را برای نظام عدالت جزایی امریکا ایجاد نموده است. سیستم عدالت جزایی در امریکا با چالش های جدی در زمینه مشروعیت مواجه شده است. سیستم جزایی منجر به مسائل و مشکلات مشروعیتی در درون نظام عدالت جزایی شده است (Savelsberg, 1999, pp190-191)

سالز برگ برای تامین نظم اجتماعی از سه مکانیزم اساسی که شامل موارد زیر است یاد می نماید:

۱- فرهنگ و جهان هنجارها و ارزش ها که شامل دیدگاه های جامعه شناسانی چون امیل دورکهایم تا مید است.

۲- منافع شخصی افراد در زمینه مرادوات اجتماعی شامل آرای آتریونی و رابرت پاتنام است.

۳- کنترل اجتماعی که شامل اقدامات حکومتی سازمان های و کنترل های غیر رسمی

اجتماعی هستند که شامل آراء دونالد بلک (Savelsberg, p192).

سالزبرگ قوانین جزایی را یکی از جنبه های کنترل حکومتی و فقط مکانیزم کوچکی در این سه مکانیزم سازمان اجتماعی می داند. از دید او اگرچه سیستم جزایی مهمترین عامل نظارت ها و کنترل های اجتماعی هستند ولی پیشنهاد ایشان بسیج نهادهای اجتماعی است که شامل مشارکت

شبکه مرادوات قانونی و مشروع، تقویت سرمایه اجتماعی، ایجاد همکاری حقوقی، نیروی پلیس ایثارگر و منظم، سیستم مجازات با سیستم تجدید نظر قضایی مناسب می تواند به کاهش جرائم و نیز تامین نظم کمک نماید.

به عبارتی دیگر آشکار شده است که پلیس می تواند نقش محدودی را در مدیریت جرائم و کنترل جرائم بازی نماید. کنترل اجتماعی در برگیرنده سیاستگذاری پیچیده ایی شامل اقدامات پلیس با مشارکت با شهروندان، امنیت خصوصی و روش های ممانعت از جرائم فن آورانه و محیطی است. از سوی دیگر کنترل اجتماعی شامل سیاست های اجتماعی و اقتصادی است که می تواند ریشه جرائم را رفع و نیز شامل اقدامات و فرایند کنترل غیر رسمی است. از این روی پلیس قسمتی از شبکه پیچیده از فرایند سیاستگذاری در زمینه کنترل جرائم است (Kuper, 1996:p1063).

به عبارتی دیگر در زمینه نظارتهای های اجتماعی از دو بعد رسمی و غیر رسمی نظارتهای اجتماعی می توان صحبت نمود. نظارت های رسمی شامل تمامی نظارتهای اعمالی از طرف نهادهای حکومتی و نیز نهادهای غیر حکومتی که بر اساس قانون و مقررات خاصی عمل می نمایند می گردد. نظارتهای غیر رسمی نظارتهای غیر حکومتی و هستند که تابع هیچ مقرراتی نیستند. در این تحقیق تمرکز اساسی به نظارتهای رسمی غیر حکومتی از طریق نهادهای اجتماعی و مدنی هستند. چرا تمرکز به نظارت های غیر رسمی نمی گردد. در این مورد دلایل زیادی وجود دارد و مهمترین موضوع به دلایل نسبیّت فرهنگی است. در حال حاضر جامعه ای یافت نمی شود که از فرهنگ واحد در آن صحبت گردد. فرهنگ ملت ها ناشی از عوامل متعدد هستند که برخی ریشه اعتقادی، زبانی، قومیتی و غیره دارند از این روی عموماً فرهنگ ها خود را در مقابل دیگر تعریف و محلی برای جدایی فرهنگها هستند. به این دلیل نمی توان به نظارتهای غیر رسمی غیر حکومتی اعتماد نمود به عبارتی دیگر در مورد هنجارهای پذیرفته شده و مورد اتفاق اجتماعی وجود ندارد.

از سوی دیگر موضوع دیگر این است که چون نظارتهای غیر رسمی و غیر حکومتی نظارت ها را تابع امیال افراد می سازد و از این روی امکان زیادی را برای از بین بردن عرصه خصوصی حیات اجتماعی فراهم می آورد.

در این تحقیق ما در صدد توضیح اهمیت استفاده از حوزه عمومی به منظور استفاده از آن در نظارت اجتماعی هستیم. در مورد اهمیت استفاده از حوزه عمومی برای تامین نظم و انتظام دلایل

راه های گسترش حوزه عمومی به منظور ارتقاء سطح نظارت های اجتماعی.....۶۵

زیادی مطرح است. جین جاکوب که نظریه پرداز سرمایه اجتماعی است معتقد است که شبکه های اجتماعی قدیمی در محدوده های قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی در مقایسه با عوامل نهادی رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می دهد (فوکویاما، ص ۱۰).

راه های تامین نظم اجتماعی در ایران

با توجه به مباحث اشاره شده در یک جمع بندی کوتاه می توان گفت که نظارت های غیر رسمی جزء موثری از نظارتهای اجتماعی هستند و از اثر بخشی زیاد تری برخوردار هستند. این موضوع به معنی بی نقص بودن اعمال نظارت های اجتماعی غیر رسمی نیست. مهمترین نقص نظارت های غیر رسمی تابع ساختن نظارت ها به اعمال شهروندان است که اجتماعی در مورد آنها وجود ندارد و از سوی دیگر نبود ضمانت های لازم برای تحقق نظم اجتماعی است. از سوی دیگر در زمینه نظارتهای رسمی هم توضیح داده شد که این نوع نظارتهای دارای مزیت های زیادی هستند ولی قسمتی از بسته نظارت های اجتماعی را تشکیل می دهند. کاستی این نوع نظارت ها، بحران ها مشروعیتی ناشی از دخالت های نهادهای حکومتی است و این موضوع می تواند باعث توالی بحران های اجتماعی و سیاسی را فراهم آورد. با توجه به این موضوع در این قسمت به چند استراتژی اساسی در ارتباط با چگونگی استفاده از حوزه عمومی و نظارت های اجتماعی به عنوان قسمتی از سرمایه اجتماعی برای تحقق نظم اجتماعی در ایران اشاره می نمایم.

استراتژی نخست: اجماع عمومی در مورد نظم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی.

اولین راهبرد، ایجاد اجماع عمومی در مورد نظم مورد نظری است که برای برقراری آن تلاش می نمایم. در جامعه ای که تعریف مشخصی از نظم عمومی وجود ندارد امکان تامین نظارتهای ها و کنترل اجتماعی وجود ندارد. از آنجا که نظم اجتماعی بازتابی از هنجارها، اعتقادات، رسوم و باورها و به عبارتی فرهنگ اجتماع است بایستی در اولین اقدام، مخرج مشترک اجتماعی از فرهنگ ها و هویت ایرانی تهیه گردد. تا در مرحله بعدی تمامی نیروی های درونی و بیرونی یک سیستم برای تامین و حفظ آن مورد بهره برداری قرار گیرند.

مشکلی که در ایران وجود دارد این است که در مورد هنجارهای مشترک توافق مشهودی مشاهده نمی گردد. این موضوع دلایل متعددی دارد که بیشتر فرهنگی و اجتماعی و ناشی از

ساخت قومیتی، اعتقادی کشور است. از این روی معلوم نیست توانایی های نظارتی و کنترل های اجتماعی برای تامین چه نظامی بکار گرفته می شوند و از این روی توانایی های نظارتی نهادها، زیر علامت های سوال متعدد است.

استراتژی دوم: تعهد درونی به عنوان منبع نظم اجتماعی

نظارت های اجتماعی به منظور حفظ نظم اجتماعی مشروط به مجموعه ای از عوامل است که در میان آن اولین شرط تامین نظم اجتماع که هدف نظارت های اجتماعی است بسط و تعمیق نظارت های درونی غیر حکومتی است. در تمامی جوامع چه عرفی یا دینی، عوامل درونی و نظارت های درونی از اهمیت زیادی برخوردار هستند. به عبارتی دیگر نقش عوامل درونی چون وجدان درونی عامل مهمی برای تامین نظم عمومی است. تا زمانی که مردم نخواهند خود را کنترل نمایند و یا در کنترل نظم مورد توافق مشارکت نمایند و اهمیتی به دیگران در حیات اجتماعی خود ندهند بحث از نظم اجتماعی بحث بیهوده ای است.

در مورد کشوری مانند ایران، مردم به دلایل زیادی و تجربی نشان داده اند که قبل از اینکه توسط درون خود کنترل شوند، منتظر نظارت های بیرون هستند. به عبارتی ترس از قدرت حکومتی و نظارت های رسمی حکومتی و جزایی در بیشتر موارد عامل اساسی تن دادن به نظم عمومی است. در موضوع مهم سیاسی در تاریخ ایران نشان داده شده است که به محض افول قدرت حکومتی، واگرایی های سیاسی توسعه یافته اند، یکپارچگی اجتماعی از بین رفته اند و نظم اجتماعی مورد تهدید قرار گرفته اند. البته قبلا هم توضیح دادیم و مجددا هم تاکید می کنیم این موضوع ریشه در عدم اجماع و توافق در زمینه نظم اجتماعی، فرهنگی، سیاسی مشترک و نیز ریشه در فرهنگ خاص ایرانی دارد. از سوی دیگر در ارتباط با موضوع ضمانت های درونی تامین نظم اجتماعی بایستی به نقش عوامل اعتقادی و دینی توجه لازم را معمول داشت. چون در موارد بسیار زیادی نشان داده شده که نظام اعتقادی، منبع اساسی نظم اجتماعی هستند و عامل اساسی برای تنظیم روابط افراد و با دیگران در اجتماع دیده شده اند. از این روی در ایران نیز می توان از نظام و باورهای اعتقادی دینی برای برقراری نظم اجتماعی بهره مند گردید.

استراتژی سوم: توسعه نقش نهادهای اجتماعی برای تحقق نظم اجتماعی و ارتقاء نظارتهای اجتماعی

در رابطه با اینکه چگونه از توانمندی های حوزه ی عمومی به عنوان وسیله ای برای مشارکت در کنترل اجتماعی مطرح گردیند بایستی توضیح داد که قدرت گرچه به صورت بسیار ناملموسی

راه های گسترش حوزه عمومی به منظور ارتقاء سطح نظارت های اجتماعی.....۶۷

از طرف نهادهای اجتماعی غیر دولتی نیز اعمال می گردد ولی قدرت دولتی یا حکومتی با قدرت رسمی نهادهای غیر حکومتی متفاوت است. از این روی نظارتها و کنترل اجتماعی غیر حکومتی ها متفاوت از کنترل های حکومتی است. کنترل های حکومتی با ضمانت های قوی نهادی و حقوقی و جزایی تضمین می گردد. این در حالی است که نهادهای اجتماعی در حوزه عمومی قابلیت لازم را در این خصوص ندارند و تصمیمات و اقدامات آنها دارای ضمانت های قوی جزایی ، کیفی نیست. از این روی برای بهره مندی از توان نهادهای اجتماعی به عنوان سرمایه اجتماعی مد نظر رابرت پاتنام بایستی به این موضوع توجه نمود که راهبرد استفاده از حوزوی عمومی و عرصه عمومی برای ارتقاء نظارتهای اجتماعی این است که در سیستم به مشارکت های مستقل برای تامین نظم عمومی اعتقاد لازم ایجاد گردد. در این زمینه شرط اساسی اعتقاد و اعتماد عمومی است. سرمایه اجتماعی معمولاً به درجه ای از اعتماد ، هنجارهای همکاری ، شبکه ها و انجمن ها در جامعه تفسیر شده است (Knowles, 2005:p1).

اعتماد سطوح بالا به سطوح پایین جامعه که در آن نخبگان در باره گرایشات رفتاری عناصر بخش های مختلف کل توده به باورهایی دست می یابند (تاج بخش، ص ۲۰۶).

از سوی دیگر از اقدامات اساسی که بایستی انجام گردد ، رفع موانع حقوقی و قانونی برای فعالیت نهادهای اجتماعی و درگیری نهادهای اجتماع محور در کنترل اجتماعی است. در این زمینه مهمترین زمینه همانگونه که در زمینه اقتصادی اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی سازی شرکتای دولتی است در زمینه اجتماعی و حقوقی نیز بایستی زیر ساخت لازم برای واگذاری تامین نظم اجتماعی به نهادهای غیر رسمی حکومتی و مردمی و نهادهای به اصطلاح اجتماع محور آماده گردد. در این زمینه به نظر می رسد نه تنها تدابیر و ترتیبات کافی و مناسب حقوقی و قانونی وجود ندارد در حال حاضر این پتانسیل برای نهادهای اجتماعی مطرح نیست و اصلاً مورد بحث و نظر قرار نمی گیرد.

نکته مهمی که در این مورد بایستی به آن ذکر شود این است که ذکر این مساله به معنی نبود پیش بینی های قانونی لازم در این زمینه در ایران نیست. در قانون برنامه پنج ساله توسعه چهارم پیش بینی های لازم به منظور استفاده از توان این نهادها برای تامین نظم و امنیت اجتماعی شده است. برای نمونه بر اساس بند و ماده ۹۸ قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه مقرر گردیده "طرح جامع مشارکت و نظارت مردم ، سازمانها ، نهادهای غیر دولتی و شوراهای اسلامی در توسعه

۶۸.....پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۷

پایدار کشور و فراهم کردن امکان گسترش کمی و کیفی نهادهای مدنی با اعمال سیاستهای تشویقی تدوین گردد (ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۳، ص ۱۷۴).

همچنان بر اساس بند و ماده ۱۱۹ مقرر گردیده است:

" طرح راهبردی توسعه نظم و امنیت کشور با رویکرد جامعه محوری، مشارکت همگانی و جایگزینی ارزش ها و کنترل های درونی به جای رویکرد امنیتی و ارتقاء احساس امنیت در جامعه تدوین گردد"

همچنان بر اساس بند ط ماده ۱۱۹ مقرر شده است:

"سازوکارهای لازم جهت توسعه مشارکت مردمی، برای تامین نظم و امنیت عمومی تهیه گردد" (ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ص ۲۰۰).

همچنان بر اساس بند ج ماده ۱۳۱ "حمایت از خانواده های زندانیان و معدومین از طریق سازمان ها و نهادهای خیریه مردمی و غیر دولتی و انجمن های حمایت از زندانیان" پیش بینی شده است (ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ص ۲۱۰).

از طرف دیگر، بر اساس ماده ۱۲۲ این قانون مقرر گردیده است:

"پس از موافقت فرماندهی کل نیروی مسلح، به وزارت کشور اجازه داده شده که از طریق نیروی انتظامی نسبت به اعطای مجوز فعالیت به متقاضیان تشکیل موسسات غیر دولتی خدمات حفاظتی و مراقبتی و واگذاری بخشی از خدمات انتظامی و حفاظتی به موسسات مذکور با حفظ کنترل و نظارت دقیق بر اساس آیین نامه اجرایی که به پیشنهاد وزارت کشور و تایید فرماندهی کل نیروی مسلح به تصویب شورای امنیت کشور می رسد اقدام نماید." (ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ص ۲۰۲).

اما در آسیب شناسی این موضوع بایستی توضیح داد، رویکرد موجود در جمهوری اسلامی به نهادهای مدنی و اجتماعی بیشتر معطوف به استفاده از توانایی توسعه ای آنها در زمینه ایجاد کارآمدی در ارائه خدمات و بیشتر استفاده از آنها در زمینه های تامین اجتماعی است.

از همه مهمتر و از سوی دیگر به نظر می رسد، نگاه موجود به نقش نهادهای مدنی بین بد بینی و خوش بینی افراطی است که در سیاست گذاری های ۱۱ سال اخیر به صورت عینی قابل مشاهده است. از این روی بایستی ابتدا در زمینه گسترش عرصه عمومی که در این تحقیق نهادهای اجتماعی محور معنی گردیده است به اجماع مشخص رسید. به عبارتی تا زمانی که نهادهای اجتماعی برای

راه های گسترش حوزه عمومی به منظور ارتقاء سطح نظارت های اجتماعی.....۶۹

فعالیت خود در بی ثباتی به سر می برند و یا از بی ثباتی های سیاسی و سیاستگذاری های متعارض تاثیر می پذیرند و خط و مشی واحدی و مشخصی در مورد آنها وجود نداشته باشد نمی توان از توان آنها بهره گرفت. تفاوت نگاه ها به نقش عرصه عمومی در تامین نظم اجتماعی باعث هدر رفتن انرژی و تعلیق برنامه های توسعه شده است. از این روی چنانچه دیدیم که این نهادها در برهه زمانی در صدر برنامه ها بوده اند و یا در موقعیتی به تعلیق در آمده اند و از این روی در وضعیت برزخ حاکم بر نهادهای غیر رسمی ، نمی توان از پتانسیل های آنها برای تامین نظم اجتماعی استفاده نمود. از این روی به عنوان استراتژی مهم این است که مشخص نماییم که کدام یک از نهادها در کنترل اجتماعی موثر هستند. یعنی آیا نگاه اجتماع محور پیش بینی شده در برنامه پنج ساله چهارم بایستی تطبیق گردد یا نگاه دولت محور سنتی با تکیه با سازوکارهای حکومتی و رسمی ادامه یابد. از این روی همچنانکه در زمینه نظم اجتماعی مشاهده نمودید ، دولت بایستی ضمن تعریف نظم مورد توافق همگانی ، کار گزار و نهادهای اساسی خود را برای تامین نظم مورد نظر مشخص نماید. از نظر نگارنده این مقاله منطقی است در صورتی که دنبال خصوصی سازی در عرصه ی اقتصاد دولتی بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی هستیم ، در زمینه اجتماعی و نظم اجتماعی نیز بهتر است بر اساس اصول خصوصی سازی عمل نماید. در غیر این صورت به دلیل عدم انطباق برنامه ها می توان با وضعیت پارادوکسیکالی (تعارض گونه ای) مواجه شویم و این عملا به شدت باعث کند شدن اجرای برنامه های توسعه ای خواهد شد.

نتیجه گیری

نظم اجتماعی نه تنها محصول کنترل های اجتماعی رسمی است ، بلکه محصول مشارکت نهادهای اجتماعی و نظارت های اجتماعی است. در همه جوامع اشکالی از نظارت های اجتماعی مدنی و غیر رسمی وجود دارند. در این تحقیق توضیح داده شد که نظارت های اجتماعی غیر رسمی دارای برتری بیشتری به نظارت های حکومتی هستند اگرچه این نوع نظارتها نیز عاری از مشکل نیستند. مشکل اساسی این نوع نظارتها در اعمال دیدگاه های فردی و شخصی و نبود مکانیزیم های ضمانتی است. از سوی دیگر در مورد نظارت های غیر رسمی توضیح داده شد که نظارت های رسمی دارای مشکلات زیادی هستند که در مورد نمونه ایالات متحده نشان داده شد که چگونه این موضوع می تواند چالش های مشروعیتی برای نظام ایجاد نماید. این موضوع در نمونه ایران نیز صادق بوده است. درگیری نهادهای حکومتی در موضوع تحقق نظام اجتماعی باعث

مسائل جدی برای حکومت شده و این موضوع باعث تعمیق نارضایتی و چالش های مشروعیتی گردیده است. به هر صورت در این تحقیق نگارنده تلاش نمود نشان دهد که نظارت های اجتماعی از اهمیت بیشتری در قیاس با نظارت های رسمی برخوردار هستند و از جانب دیگر نشان داد که مهمترین مساله در کشور ایران عدم وجود اجماع محکم و حداکثری در مورد نظم مورد قبول است. از این روی تا زمانی که نتوان از نظم مورد قبول همگانی صحبت نمود با مسائل متعددی مواجه خواهیم شد که باعث توالی بحرانها خواهد شد. برای نمونه برخورد های اولیه با مساله استفاده از ویدئو و استفاده از آن در ایران است که بین استفاده کننده گان و قائلین به اهمیت این تکنولوژی و نظارت های رسمی حکومتی باعث نارضایتی بیشتر و حتی درگیری نهادهای جزایی و ایجاد هزینه های آنچنانی برای کشور شد. از این روی پیشنهاد صریح این مقاله در اولین مرحله تعریف از نظم مورد اقبال عمومی در این مرحله از تاریخ سیاسی ایران است. نظارت های اجتماعی پس از تعریف نظم عمومی ممکن است. به عبارتی اگر نتوانیم نظم اجتماعی مورد پذیرش همگانی را تعریف کنیم نمی توان در مورد چگونگی حفظ آن و نیز اهرام ها و کارگزاران تامین نظم اجتماعی صحبت نماییم.

البته لازم به توضیح است که نظارت های غیر رسمی حکومتی و غیر حکومتی از برتری بیشتری نسبت به نظارت های حکومتی و نظارت های بی کنترل مردم برخوردار هستند. چرایی این موضوع از بابت بحرانهای مشروعیتی و هزینه های بالایی جزایی و مالی این نظارت های حکومتی و نیز احتمال دخالت انگیزه ها و امیال شخصی اعضای جامعه است. جامعه ای که مردم و نهادهای مردمی عامل نظارتها و تامین نظم هستند کمتر با بحرانهای رادیکال و تغییرات حکومتی مواجه می گردند. به عبارتی دیگر اگر نظارت های اجتماعی به خود مردم و نهادهای مدنی سپرده شود، دولتها کمتر با نارضایتی مواجه می شوند. مردم در هر جامعه مانند دست نامرئی آدام اسمیت در اقتصاد، می توانند تامین کننده نظم عمومی مورد دلخواه خود شوند. از آنجا که نهادهای مدنی واقعی برخاسته از مردم و خواست عمومی مردم و انعکاسی از نیازها و دغدغه های مردمی هستند، پس می توان به آنها اعتماد نمود. البته در این مورد نظارتها در حوزه عمومی، بایستی نهادهای مدنی مورد مطالعه بیشتری قرار گیرند و اینکه چگونه از آنها برای تامین نظم اجتماعی استفاده شود، مورد بررسی جدی تری قرار گیرد که پیش شرط این موضوع اعتماد به گسترش عرصه عمومی و نهادهای حوزه عمومی است. در مراحل بعدی ایجاد زیر ساخت حقوقی لازم برای واگذاری نظارت های

راه های گسترش حوزه عمومی به منظور ارتقاء سطح نظارت های اجتماعی..... ۷۱

حکومت محور به نظارت های اجتماع محور است که این موضوع همانند خصوصی سازی در اقتصاد منوط به واگذاری و خصوصی سازی در زمینه کنترل های اجتماعی و امور اجتماعی است و این موضوع مشروط به تغییر پارادایم از سیاست گذاری دولت محور به سیاست گذاری مبتنی بر اجتماع محوری و نیز تغییر پارادایم از رویکرد مجازات به رویکرد آموزش و پیشگیری است. البته اعمال نظارتهای اجتماعی از طریق نهادهای مدنی نیز عاری از اشکال نیست. به ویژه در جوامعی که مردم بدون نظارت های رسمی کنترل نمی شوند ، نهادهای مدنی می توانند به دلایل فقدان مکانیزیم هایی که دولت ها در دست دارند و پشتوانه آن (قوانین جزایی) با ناکارآمدی مواجه شوند. به هر صورت نهادهای غیر رسمی در کنار عامل درونی و تعهد درونی در افراد و نظارتهای حکومتی سه پریم اساسی تامین آن چیزی هستند که به آن نظم اجتماعی اطلاق می نمایم.

پی نوشت ها

- | | |
|----------------|---------------------|
| 1-Governance | 8-Oikos |
| 2-Donald Black | 9-intimate |
| 3-compliance | 10-problematization |
| 4-Sennett | 11-inclusive |
| 5-Public | 12-Public sector |
| 6-Scrutiny | 13-Private sector |
| 7-Private | |

منابع

- انصاری منصور(۱۳۸۴). دموکراسی گفتگویی ، امکانات دموکراتیک اندیشه های میخایل باختین و یورگن هابرماس. تهران : انتشارات نشر مرکز،
- تاج بخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی : اعتماد ، مردم سالاری و توسعه. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران : انتشارات شیرازه،
- خلفخانی مهدی (۱۳۸۷). آسیب شناسی ریشه های اجتماعی فساد اداری در ایران (با تاکید بر نگرش و انگاره های عمومی مردم). تهران : مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام ،
- راش مایکل(۱۳۸۱). جامعه و سیاست ، مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی . ترجمه منوچهر صبوری. تهران: انتشارات سمت،
- رایت رابین(۱۳۸۲). آخرین انقلاب بزرگ : انقلاب و تحول در ایران. ترجمه احمد تدین و شهین احمدی . تهران : انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا ،
- روبرت پاتنام (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت های مدنی . ترجمه محمد تقی دلفروز . تهران :دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور ، انتشارات روزنامه،

۷۲.....پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۷

ریاست جمهوری، معاونت تدوین و تنقیح قوانین و مقررات (۱۳۸۳). **مجموعه قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران**. تهران: اداره چاپ و انتشار معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات،

فوکویاما فرانسیس (۱۳۸۵). **پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن**. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات حکایت نوین،

هولاب رابرت (۱۳۷۸). **یورگن هابرماس: نقد در حوزه ی عمومی: مجادلات فلسفی هابرماس با پوپری ها، گادامر، لومان، لیوتار، دریدا و دیگران**. ترجمه ی حسین بشیریه. تهران: انتشارات نی،

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰) **یافته های پیمایش در ۲۸ استان کشور: ارزش ها و نگرشهای ایرانیان**. ویرایش اول، تهران: نشر دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش ها و نگرش ها، شابک.

Karl. W. Deutsch (1998). **politics and government, how people decide their fate**. Houghton Mifflin Company.

Knowles Stephen (2005). **Is Social Capital Part of the Institutions Continuum?**. Centre for Research in Economic Development and International Trade. University of Nottingham, sknowles@business.otago.ac.nz.

Kuper Adam, Kuper Jessica (1996). **The social science encyclopedia**. 2nd edition. London and New York :Rutledge,.

Portes Alejandro (2000). The two meaning of social capital. **sociological forum**. Vol.15, No, 1.

Ritzer George (2005). **Encyclopedia of social theory**. Volume 2, sage publication.

Savelsberg J.Joachim(1999).controlling violence: criminal justice.society and lesson from the US, **crime and law and social change** 30,Khuwer academic publisher.

Seymour .M Lipset (1973). **political man**, Heinemann educational books. ltd.

Stromer Jennnifer –Galley (2002). "new voice in the public sphere: political conversation in the internet age". presented to the faculties of the University of Pennsylvania in partial fulfillment of the requirement for the degree of doctor of philosophy in communication.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی